

تحلیل مضمون عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و مبانی قرآنی آن

زینب پورکویان* / بی‌بی سادات رضی بهابادی** / آتنا بهادری***

چکیده

اقتدار یک حکومت مهم‌ترین راه دستیابی به اهداف، حفظ و تداوم شاکله آن است. رهبر جامعه، یکی از عوامل بسیار اثرگذار بر اقتدار ملی است. راهبردهای مدیریتی رهبر، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتدار جامعه دارد. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) که سال‌ها است رهبری جمهوری اسلامی ایران را به دست دارند، در دوران رهبریشان بر اهمیت اقتدار ملی تأکید داشته‌اند. نوشتار حاضر درصدد بررسی عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات ایشان و مبانی قرآن آنها است. این مقاله بخشی از پژوهش توصیفی - اکتشافی است که با روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MaxQDA، اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) را بررسی و سپس مبانی قرآنی آن را استخراج نموده است. عوامل اقتدار ملی در بیانات قابل تقسیم به دو بخش مادی و معنوی است. عوامل مادی به ترتیب عبارتند از: مسئولان، علم و فناوری، مردم، نیروهای مسلح، اقتصاد، جمعیت و نسل جوان، انقلاب و انقلابی‌گری و انتخابات است که همه محورها دارای مبانی قرآنی هستند.

واژگان کلیدی

مبانی قرآنی اقتدار ملی، اقتدار ملی، عوامل مادی اقتدار ملی، راهبر، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی).

poorkavian73@gmail.com
b.razi@alzahra.ac.ir
atenabahadori@alzahra.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

*. دانش‌آموخته ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه).
**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه).
***. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۱

بیان مسئله

ضرورت وجود حکومت از بدیهیات عصر معاصر است. با توجه به زندگی اجتماعی بشر، باید در جوامع انسانی، حکومتی وجود داشته باشد تا تفاوت سلیقه‌ها، طبقات مردم و سلطه‌گران، اختلالی در زندگی افراد به وجود نیارد و در سایه این حکومت همگان به اهداف و آرمان‌های شخصی و جمعی دست یابند. اقتدار، یکی از مسائل بسیار مهم در حکومت‌ها است. ضرورت و اهمیت اقتدار در جامعه از آثار آن نمایان است. علاوه بر ضرورت وجود قدرت در حکومت در جهت آثار ملی نظیر برقراری امنیت، برای دستیابی به آثار فراملی نیز به آن نیاز است. در وضعیت کنونی جهان که برخی از ملت‌ها تحت سلطه طاغوتیان هستند، اگر ملتی بخواهد به یاری آنها به پا خیزد، باید از یک مصونیت و بازدارندگی برخوردار باشد و بتواند نقش اثرگذاری در عرصه جهانی داشته باشد؛ این مطلوب به دست نخواهد آمد مگر با اقتدار ملی. پس از وقوع انقلاب اسلامی، نظام برای ادامه حیات و دستیابی به اهداف و مقابله با دشمنان به کسب اقتدار نیازمند بود؛ بنابراین لازم است برای حفظ و افزایش اقتدار ملی همه اقشار جامعه، عوامل ایجاد آن را بشناسند و برای نیل به آنها همت نمایند.

مهم‌ترین عامل مؤثر در ایجاد اقتدار ملی، شاخصه‌های مدیریتی رهبر جامعه است. اگر راهبردهایی که رهبر جامعه در جهت اداره امور کشور به کار می‌برد در جهت ایجاد، حفظ و افزایش اقتدار ملی نباشد، حاکمیت به این مهم دست نمی‌یابد؛ به خصوص که انتظار می‌رود عملکرد رهبر حکومت اسلامی در جهت تعالیم دین مبین اسلام باشد.

اقتدار ملی از موضوعاتی است که در بیانات مقام معظم رهبری همیشه به وضوح دیده می‌شود. از منظر معظم له، اقتدار دو نوع ممدوح و مذموم دارد. «اقتدار ممدوح، اقتداری است که همراه با ظلم و سلطه‌گری بر دیگر ملل نباشد؛ بلکه برای دستیابی به اهداف جامعه و دفاع از مظلوم و برقراری حق و عدالت باشد. جمهوری اسلامی ایران در پی دستیابی به چنین اقتداری است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۰۷/۱۴)

درباره اقتدار ملی چندین پژوهش صورت گرفته است؛ از جمله: ۱. اقتدار ملی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی اثر علی رضایی (۱۳۸۱) که به تدوین سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است و جنبه تحلیل و بررسی به خصوص براساس روش‌های پژوهش کیفی ندارد. ۲. عوامل اقتدار ملی از منظر قرآن و حدیث اثر محمد محمودی خراسانی (۱۳۸۹) که عوامل را ناظر به بیانات معظم له مطرح نکرده است. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان اقتدارگرایی در تحلیل قرآن و حدیث (۱۳۹۴) در مقطع ارشد از بهرام عالی‌پور که به بررسی جنبه منفی اقتدار در آیات الهی پرداخته است.

پژوهش حاضر در راستای کمک به حفظ و افزایش اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، در پی پاسخ به این سؤال است که عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای چیست و مبانی قرآنی آن کدامند؟ برای حصول دقیق‌تر مطلوب، عوامل اقتدار ملی به دو دسته مادی و معنوی تقسیم شده است و بر بخش مادی که ملموس‌تر و قابل تجربه‌آزمایی و صحت‌سنجی از سوی هر نوع حکومت دینی و غیردینی می‌باشد، تمرکز شده است. این پژوهش، با استفاده از فرایند تحلیل مضمون که از زیرمجموعه‌های روش کیفی است. ابتدا بیانات رهبری با دو کلید واژه «اقتدار» و «مقتدر»، از ابتدای دوره زعامتشان تا پایان سال ۱۳۹۷ استخراج شد و این بیانات به نرم‌افزار MaxQDA منتقل گشت. پس از انجام کدگذاری و تشکیل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و کلان شبکه مضامین کلام ایشان ترسیم گردید. در مرحله بعد، پس از تفسیر شبکه مضامین، با مراجعه به قرآن کریم و تفاسیر، مبانی قرآنی کلام ایشان استخراج و شرح داده شد. معیار در تشکیل مضامین پایه، دارا بودن حداقل ۴ کد است.

۱. مروری بر روش تحقیق تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، نخستین مرحله در روش‌های کیفی است که پژوهشگر باید آن را یاد بگیرد؛ زیرا این روش مهارت‌های لازم برای اجرای دیگر روش‌های کیفی را دربردارد. تحلیل مضمون یک فرایند برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است. (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۲ - ۱۹۱) در این فرآیند داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوی موجود در آنها تبدیل می‌شود. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۶ - ۱۵۳) ابتدا باید داده‌ها را کدگذاری کرد. مضامین پایه^۱ را که مبین نکات برجسته داده‌هاست، استخراج نمود. با توجه به اشتراک مفهومی، ویژگی‌ها و ابعاد این مضامین، مضامین سازمان‌دهنده^۲ و یکپارچه‌کننده^۳ را حول یک محور مشترک گردآورد و در نهایت با توجه به اشتراک مفهومی مضمون کلان^۴ و فراگیر^۵ به‌دست آورد. (همو: ۱۶۰) در پایان می‌توان با استفاده از یک یا چند مورد از روش‌های تحلیلی از جمله: قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای، به ارائه گزارشی تحلیلی از نتایج پرداخت. (همو: ۱۷۲ - ۱۶۵)

۲. مفهوم‌شناسی اقتدار

در این بخش به مفهوم اقتدار در علوم اجتماعی، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و قرآن کریم پرداخته می‌شود.

1. Basic.
2. Organizing.
3. Integrative.
4. Overarching.
5. Global.

الف) مفهوم اقتدار در علوم اجتماعی

«اقتدار» گاه به صورت مفرد و گاه به همراه یک وابسته مثل اقتدار نظامی و سیاسی به کار می‌رود. «اقتدار» امروزه به معنای برخورداری از میزانی از قدرت رسمی و فرمان برداری دیگران و احراز برخی وظایف خاص در محدوده مقررات خاص است. (لاریجانی، غلامی، ۱۳۹۰: ۶۹ و ۷۰ و ۷۶) اقتدار شخص یا نهاد بدین معناست که آن شخص یا نهاد قابل احترام و موثق است یا می‌شود با نظر مساعد یا دست‌کم بدون سوءظن به پیامش گوش کرد و عمل نمود. مفهوم اقتدار را می‌بایست از دیدگاه کنشگری (شخص یا نهاد) که حکم یا پیامی را صادر می‌کند و از دیدگاه دریافت‌کننده آن بررسی کرد. (بودون، بوریکو، ۱۳۸۵: ۴۸)

ب) مفهوم اقتدار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای «قدرت» واژه جانشین اقتدار است. به باور معظم له، اقتدار ملی به یک واحد سیاسی (دولت - ملت) تعلق می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۰۲/۲۸) و دو جنبه ایجابی و سلبی دارد؛ وجه ایجابی آن بدین معناست که نظام اسلامی توانایی پیشبرد کارها، دستیابی به اهداف و ... و توانایی حضور فعال و اثرگذار در بین‌الملل را داشته باشد؛ و وجه سلبی آن نظام، توانایی مقابله در برابر زورگویی‌ها و دخالت‌های بیگانگان را داشته باشد؛ نفوذناپذیر باشد و از تهدید دشمنان نترسد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۰۲/۲۸)

در بیانات معظم له اقتدار ملی از سه ویژگی مهم درون‌زایی، همه‌جانبه‌گی و ظلم‌ستیزی برخوردار است. اقتدار ملی حاصل جوشش درونی و استفاده از قابلیت‌ها و استعدادهای بومی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۷/۰۴/۰۹) با احترام و نگاه برادرانه و دفاع از دیگر ملل مظلوم و عدم ملازمت با تجاوزطلبی، سرکوب و حمله به دیگر ملل همراه است؛ از این رو احقاق حقوق دیگر ملل از سوی جمهوری اسلامی، تهدیدی برای زورگویان عالم به‌شمار می‌آید. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۳/۱۰/۰۲) تنها با قدرت یافتن و توانمند شدن یک بُعد در کشور حاصل نمی‌شود و باید در ابعاد مختلف قدرت یافت. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۰۷/۱۴)

اقتدار ملی در بیانات معظم له دوگانه مفهومی اقتدار حقیقی و اقتدار ظاهری را دربرمی‌گیرد و اقتدار موردنظر نظام اسلامی، اقتدار حقیقی است. اقتدار ظاهری متکی بر عناصر مادی است و اگرچه نیروی نظامی، اقتصادی و علمی دارد، اما از عناصر معنوی تهی است. در تقسیم‌بندی مبتنی بر

۱. با توجه به این مسئله، حیطة موضوعی پژوهش حاضر بیان عوامل مادی اقتدار در جمهوری اسلامی ایران است و در پی بررسی عوامل مرتبط با جهان و امت اسلامی که گستره‌ای فراتر دارد، نیست.

عرصه‌های نمایش و اعمال اقتدار سه بخش وجود دارد: اقتدار داخلی، منطقه‌ای (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۰۱/۰۱؛ ۸۹/۰۱/۰۱) و بین‌المللی. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۵/۰۸/۲۰؛ ۸۹/۰۱/۰۱) درحقیقت اقتدار منطقه‌ای بخشی از اقتدار در عرصه بین‌الملل محسوب می‌شود.

اقتدار ملی را می‌توان براساس ارکان به بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۰۲/۲۸) و نظامی (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۳/۱۷) تقسیم کرد. همچنین به‌صورت خرد، اقتدار دارای اجزای علمی، اطلاعاتی، فکری، روحی، رزمی، امنیتی، تسلیحاتی، موشکی و ... است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۹/۰۸/۰۲؛ ۶۹/۰۲/۲۲؛ ۷۸/۰۲/۲۹) هریک از این ارکان و اجزاء براساس عناصر تشکیل‌دهنده‌شان قابل تقسیم به دو دسته کلی مادی و معنوی هستند. اقتدار مادی بر عناصر مادی و اقتدار معنوی بر عناصر معنوی و روحی متکی است.

ج) مفهوم اقتدار در قرآن کریم

قدرت و اقتدار از موضوعات اجتماعی است که در قرآن کریم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و با الفاظی از ریشه‌های «قدر»، «قوت»، «علو» و «سلط» به‌کار رفته است و خاستگاه آن خداوند متعال است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره / ۱۶۵) و «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (کهف / ۳۹) قدرت‌ها به دو دسته ممدوح و مذموم تقسیم می‌شوند و معیار آنها حق‌گرایی است. اقتدار پیامبران و مؤمنان با اتصال و ایمان به خداوند، اقتدار ممدوح؛ و قدرت اهل کفر و شرک، تجاوزگری و استبداد، اقتدار مذموم است. آیات الهی بر لزوم اقتدار جامعه اسلامی تأکید دارند و هدف آن را کسب قدرت، بازدارندگی دشمنان، برقراری احکام دینی و ... می‌دانند اما مسلمانان را از ظلم و تجاوز در کسب اقتدار نهی می‌کنند. (بقره / ۱۹۰)

۳. عوامل اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

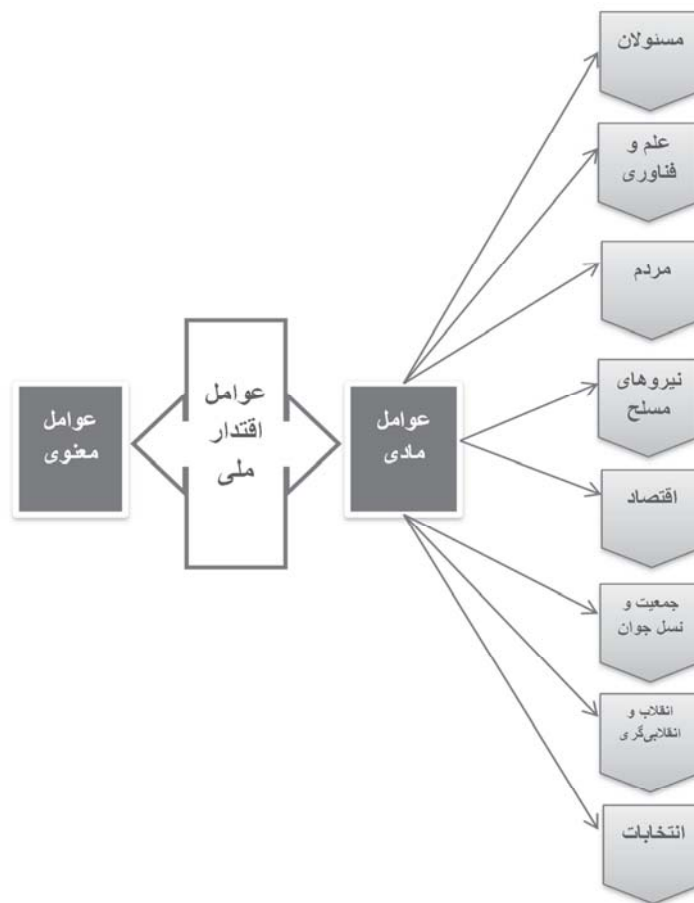
یافتن عواملی که موجبات اقتدار را فراهم می‌آورد، از مسائل خطیر حکومت‌هاست. شناخت عوامل اقتدار، لازمه ایجاد و افزایش آن در جامعه است. اگر شناخت صحیحی وجود نداشته باشد، کسب و افزایش اقتدار به‌صورت صحیح انجام نمی‌گیرد.

عوامل اقتدار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به دو بخش معنوی و مادی تقسیم می‌شوند. منظور از عوامل معنوی، عواملی هستند که به بُعد فرهنگی، روانی، باورها و ارزش‌های جامعه مرتبط می‌شوند و از نظر معظم له نقش بسیار مؤثری در اقتدار ملی دارند و اگر ملتی در پی دستیابی به اقتدار حقیقی است، باید اقتدار خود را به آنها متکی کند؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۰۷/۱۴؛ ۸۲/۰۴/۲۹) اما این مسئله به‌معنای بی‌نیازی از عوامل مادی نیست. در عصر حاضر که ملل مستکبر و سلطه‌گر در

تلاشند تا هرچه بیشتر خود را به عوامل مادی مسلح کنند، اگر کشوری از آنها صرف نظر کند، به اقتدار دست نمی‌یابد. نوشتار حاضر بنا بر ملموس بودن عوامل مادی اقتدار ملی و قابلیت آزمون آن از سوی حکومت‌های دینی و غیردینی به این دسته از عوامل اقتدار می‌پردازد.

۴. عوامل مادی اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و بن‌مایه‌های قرآنی آن

با جستجوی در سایت Khamenei.ir، واژه اقتدار در ۴۷۲ و واژه مقتدر در ۲۱۱ سخنرانی‌های مقام معظم رهبری یافت گشت که شامل وجوه مختلف اقتدار می‌شود. با بررسی در بیانات معظم له و رعایت معیار دارا بودن حداقل ۴ کد، ۲۱۲ کد در بخش عوامل مادی یافت شد که به ترتیب فزونی شامل: مسئولان، علم و فناوری، مردم، نیروهای مسلح، اقتصاد، جمعیت و نسل جوان، انقلاب و انقلابی‌گری و انتخابات است. تصویر زیر شبکه مضامین عوامل اقتدار در بیانات معظم له است که در ادامه به شرح عوامل مادی و مبانی قرآنی آن پرداخته می‌شود.



الف) مسئولان

حفظ اقتدار ملی از وظایف و توصیه‌های همیشگی رهبر معظم به مسئولان است؛ زیرا اقتدار حال و آینده کشور در گرو همت، تصمیمات و عملکرد مسئولان است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۳/۲۶) لازم است مسئولان به وظایفشان عمل نمایند؛ مشکلات کشور و ملت را درک کنند و نیازها را تأمین نمایند؛ نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها را رفع کنند؛ از لفاظی‌ها پرهیز نمایند و در راه صلاح ملت و کسب اقتدار به کار قاطعانه و هماهنگ بپردازند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۰۲/۱۱) اگر مسئولان کشور عملی کارساز، خلاق، خستگی‌ناپذیر، صادقانه و همراه با اجرای قانون داشته باشند، ملت احساس اقتدار می‌کند. رهبری نیز نقش ویژه‌ای در این امر دارد. چنان‌که ایشان درباره نقش امام خمینی علیه السلام در قوی شدن ایران می‌فرماید:

ملت عزیز و سوگوار! شرف و افتخار اقتدار و سربلندی ایران اسلامی مدیون رهبری حضرت امام و حرکتی است که معظم له آن را ترسیم و هدایت کردند و ما آن را پیموده و می‌پیماییم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۳/۱۴).

ب) مردم

ایشان افزایش اقتدار ملی را یکی از وظایف مردم می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۳/۲۶) که از راه‌های مختلفی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. اعتقاد مردم به توانایی طی مسیر و انجام کارها از پایه‌های اقتدار ملی است؛ لازم است ملت از توانایی‌ها و قدرت خود آگاه باشد و خود را ضعیف فرض نکند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۴/۰۸/۰۸) یکی از کارهای بسیار مؤثر، حضورشان در صحنه‌های مختلف نظام از قبیل استقبال از دیدارهای رهبری، شرکت بصیرانه، پرشور و حداکثری در انتخابات راهپیمایی‌ها است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۵/۱۱/۲۱) از سوی دیگر، حضور مردم در انتخابات مانع از لغزش مسئولان می‌شود؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۴/۰۵/۱۲) بنابراین دشمن در تلاش است این حضور را بگیرد و ملت وظیفه دارد همچنان که تاکنون با حضور خود دشمن را شکست داد، همواره این راه را ادامه دهد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۷/۰۷/۲۹) کارهای بزرگی که ملت انجام می‌دهد، کمک، همت، اتحاد و پشتیبانی‌شان از نظام، سبب ایجاد اقتدار می‌شود. همت ملت، سبب احساس ضعف و زبونی و عجز دشمن می‌گردد؛ در نتیجه دولتمردان می‌توانند با خیال راحت به اداره کشور بپردازند؛ زیرا از پشتیبانی مردم خود اطمینان دارند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۰۵/۱۱)

در این میان، «مشارکت سیاسی» از اهمیت زیادی برخوردار است. مشارکت از مسائل انجام‌بخش در دولت - ملت است (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۱۸) و به‌علاوه میزان مشارکت سیاسی

بر ثبات و کارآمدی نظام سیاسی مؤثر است و کارکرد آن وحدت و هماهنگی نهادها و قوای نظام سیاسی است. به عقیده ماکس وبر،^۱ مشارکت سیاسی تلاشی برای مشارکت در کسب قدرت و اعمال نفوذ برای اختصاص دادن قدرت در هر رده‌ای از هر تشکیلاتی است. می‌توان گفت که اساسی‌ترین مؤلفه در نظام سیاسی، حمایت و پشتیبانی مردم است زیرا بدون حمایت و پشتیبانی مردمی، نظامی شکل نمی‌گیرد یا اگر شکل بگیرد، دوام نمی‌یابد. از آنجایی که دشمنان خارجی از بزرگ‌ترین مخالفان اقتدار نظام‌اند و سعی در شکستن این اقتدار دارند، لازم است مردم از کارگزاران حمایت مداوم داشته باشند تا توطئه آنان در راستای نابودی اقتدار، با شکست مواجه شود. (ایزدهی، ۱۳۹۶: ۲۱، ۳۵ و ۲۱۹)

در این بخش، مبانی قرآنی محورهای عملکرد ملت و مسئولان بیان می‌شود:

آیات زیادی در قرآن کریم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت عملکرد مردم و مسئولان اشاره دارد. آیات «فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيَّئِبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا» (الزمر / ۵۱) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (الرعد / ۱۱)، به رابطه مستقیم زوال نعمت و اعمال انسان اشاره دارد. براساس قانون کلی قرآن، تغییر در سرنوشت ملت‌ها به تغییر روش و روحیه مردم آن بستگی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۲ / ۱۶۸ و ۱۷۰)

قرآن کریم در بیان سرگذشت پیشینیان، به تأثیر عملکرد مردم بر پیروزی و قدرت‌شان اشاره دارد. در آیاتی عده‌ای شکایت خود را از فسادگری قوم یا جوج و مأجوج نزد ذوالقرنین بردند و از او درخواست کمک کردند. ذوالقرنین از نیروی خودشان برای ساخت سدّی حایل میان آنها و دشمنانشان استفاده برد. با توجه به آیه ۹۷ سوره کهف، رهبری ذوالقرنین و کمک افراد قوم، مانع ورود قوم یا جوج و مأجوج گردید. (قرآنی، ۱۳۸۸: ۵ / ۲۲۶) همچنین در آیه «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَيَا الْمُؤْمِنِينَ»، (الانفال / ۶۲) خداوند مردم را بازو و پشتیبان رهبر معرفی می‌کند. (همان: ۳ / ۳۵۰)

از آیات بارزی که اشاره به دوران پیامبر ﷺ دارد و تأثیر عملکرد افراد در قدرت و پیروزی مسلمانان را نشان می‌دهد، آیات جنگ احد است. (آل عمران / ۱۵۲) با وجود اینکه خداوند وعده پیروزی در جنگ را به مسلمانان داده بود، به دلیل عدم اطاعت برخی از امر نبی ﷺ، مسلمانان شکست خوردند و آیه «قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ»، (آل عمران / ۱۶۵) علت را عدم اطاعت از پیامبر ﷺ، عدم انجام وظیفه درست و نزاع مسلمانان دانست؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۷۶) بنابراین حتی وعده الهی نیز در گرو عملکرد صحیح ملت و جلب امداد و یاری الهی است که منجر به اقتدار ملی می‌شود. خداوند در آیاتی مانند «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ

1. Max Weber.

يَنْصُرُكُمْ»، (محمد / ۷) مؤمنان را به دفاع از دین امر می‌کند و نصرتشان را ضمانت می‌نماید؛ (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷ / ۲۰۲) بنابراین اگر ملتی در پی کسب اقتدار ملی باشد و دلیل این خواستش اجرای اوامر الهی و دین خداوند باشد و در این جهت تلاش نماید، خداوند آنان را از الطاف و یاری خود که عامل اصلی ایجاد اقتدار است، بهره‌مند می‌سازد.

ج) علم و فناوری

از دیگر عوامل اقتدارآفرین در بیانات رهبری، علم و فناوری است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۶/۰۲/۲۵) از منظر معظم له علم پیشرفته و روزافزون، علاوه بر ارزش ذاتی، عامل اساسی و از ابزارهای بسیار مهم اقتدار است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۰۵/۱۵) نقش اقتدارآفرین علم، به کشور ایران منحصر نمی‌شود؛ بلکه اقتدار، ثروت و سیطره آمریکا، اروپا و کشورهای غربی نیز به دلیل برخورداری‌شان از علم است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۷/۲۶) به باور ایشان علاوه بر تأثیر مستقیمی که علم بر اقتدار کشور دارد، به‌طور غیرمستقیم نیز اقتدارآفرین است؛ زیرا منجر به ایجاد دیگر منابع و مایه‌های اقتدار می‌شود؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۰۸/۱۲) اقتدار اقتصادی، نظامی، سیاسی، مهارت لازم برای اقتصاد مقاومتی و تولید بیشتر، تولید تجهیزات نظامی و استراتژی‌های عرصه دفاع با علم به‌وجود می‌آید.

مقام معظم رهبری تأکید زیادی بر پیشرفت و تقویت علم دارند و در بیان اقتدارآفرینی آن می‌فرمایند:

الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلَ عَلَيْهِ؛ ابن‌عقیل: شرح ابن‌ابی‌الحدید: ۲۰ / ۳۱۹) یعنی علم، اقتدار است؛ علم، مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، می‌بایست خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۵/۰۱/۰۱) اگر کشوری از علم برخوردار نباشد، توان غلبه نخواهد داشت؛ به حقوق خود دست نخواهد یافت؛ نمی‌تواند سخن خود را در دنیا مطرح کند و بیگانگان بر او غلبه و تحکم خواهند کرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۵/۰۳/۱۴)

از مجموع سخنان ایشان به دست می‌آید که مقصود از علم، همه رشته‌ها و در میان اقشار مختلف حوزوی و دانشگاهی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۹/۰۶/۱۴؛ ۸۶/۰۲/۲۵) علم عرضه‌کننده یافته‌های قابل بررسی است و نه واقعیت‌های غیرقابل تغییر. (محسنی، ۱۳۸۸: ۳۴)

محققان، پژوهش‌های علمی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند؛ محض، کاربردی و فناوری. پژوهش محض یا پایه‌ای، برای دستیابی به شناخت جدید انجام می‌شود و به هیچ‌گونه کاربرد خاصی معطوف نیست؛ کامل‌ترین تجسم آرمان‌ها و رویه علمی و منبع نهایی اقتدار فکری محسوب می‌شود. پژوهش کاربردی، مانند پژوهش محض برای دستیابی به معرفت و شناخت جدید انجام می‌شود؛ با این تفاوت که به هدف عملی خاصی معطوف است. فناوری به معنای استفاده از منابع موجود برای تولید یا ارتقای منابع، فرایند و فرآورده‌های تازه یا اصلاح شده است. (گلوور و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۴) برخی معتقدند، علم نتیجه خواست قدرت است و در کشورهای در حال توسعه، خواست عمومی، دستیابی به علم مولد است که قدرت آفرینی می‌کند. (داوری اردکانی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) برتری علمی و تکنولوژی کشورهای اروپایی ثروتمند، موجب شد که از نظر سیاسی و نظامی قدرت یابند و بر امور مسلط گردند و تقسیم‌بندی ملل توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته در دنیا مقبول شود. (محسنی، ۱۳۸۸: ۱۵۵)

ابن‌خلدون از نخستین افرادی است که رابطه علم و اقتصاد را تحلیل کرده است. در جامعه‌ای که شاخه‌های تخصصی علم گسترش می‌یابد، اقتصاد آن بر علم و تکنولوژی مبتنی است و اقتصاد تکنولوژیک، اقتصاد تولید است. در جامعه دانش‌مدار، کاربرد دانش بر وضع اشتغال اثرگذار است؛ یعنی بهره‌گیری از نیروی انسانی که مکمل کاربرد ماشین، برق، الکترونیک و انرژی هسته‌ای است؛ (محسنی، ۱۳۸۸: ۱۲۲ و ۱۵۴ - ۱۵۳) همان‌طور که قدرت اقتصادی بر پژوهش‌های علمی اثرگذار است. (گلوور و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۹) مجموعه‌ای از ساخت‌ها و منابع اقتصادی اغلب همراه با چند عامل اجتماعی بر پیشرفت علم تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم گذاشته است. عوامل سیاسی، مذهب و نظام آموزشی از دیگر عوامل مؤثر بر علم‌اند (توکل، ۱۳۷۰: ۳۲-۳۴). اگر علم درون‌زا نباشد، اقتدار حقیقی را ایجاد نمی‌کند. علم وارداتی گاه منجر به اقتدار ظاهری می‌شود اما درحقیقت استقلال به‌وجود نمی‌آورد و خود وسیله‌ای برای زیرسلطه قرار گرفتن است. علوم تجربی وارداتی از غرب به علل معرفتی و ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بومی نمی‌شوند. (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۹۳ - ۱۸۸)

در آیات عالمان در کنار فرشتگان به یگانگی خداوند گواهی می‌دهند (آل عمران / ۱۸) و میان کسی که از نعمت علم برخوردار است و فردی که بی‌بهره است، فرق گذاشته می‌شود. (الزمر / ۹؛ الرعد / ۱۶) در آیه «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادله / ۱۱) خداوند به ترفیع درجه علمای امت اشاره می‌نماید. ارزش علم به اندازه‌ای است که در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره بقره، دلیل برتری حضرت آدم علیه السلام برای مقام خلیفه الهی بیان شده است. با توجه به این آیات، عدم علم ملائکه علم حضرت آدم علیه السلام و حکمت خداوند، استحقاق آدم علیه السلام برای خلافت را بالا می‌برد. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۹۷)

خداوند در بیان سرگذشت انبیاء بارها به اقتدارآفرینی علم تأکید کرده است: ۱. در جریان انتساب طلوت به فرماندهی، خداوند وی را به دلیل توانایی علمی و جسمانی شایست امیری می‌داند. (البقره / ۲۴۷)

۲. در سرگذشت حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام، (النمل / ۱۵) خداوند علم ایشان را مایه برتری بر دیگر مؤمنان بیان می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۳۴۹) علم زیربنای یک حکومت نیرومند است و شکر لازم دارد؛ زیرا هر قدرتی از علم سرچشمه می‌گیرد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۴۱۶ - ۴۱۵) ج) خداوند متعال در ماجرای حاضر نمودن تخت ملکه سبأ به درخواست حضرت سلیمان علیه السلام، از اعلام توانایی یک نفر از انسان‌ها با تعبیر «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (النمل / ۴۰) سخن می‌گوید که نشانگر نشأت این قدرت از علم است. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶ / ۴۲۵) د) حضرت یوسف علیه السلام پس از تعبیر خواب عزیز مصر، از وی می‌خواهد تا مدیریت خزانه‌ها و روزگار قحطی را به وی بسپارد و خویش را با صفت «حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ» (یوسف / ۵۵) شایسته چنین مسئولیتی می‌داند. با توجه به آیه بعد (یوسف / ۵۶)، از آنجا که قدرت، مقتضای مکین و مکانت است، (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۱ / ۸۱) می‌توان گفت علمی که حضرت یوسف علیه السلام در آیه قبل بیان کردند، یکی از عوامل به قدرت رسیدن ایشان بود.

د) نیروهای مسلح

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، نیروهای مسلح و آمادگی نظامی آنها از دیگر عوامل قدرت ملی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۸/۱۹) و یکی از ارکان و پایه‌های آن محسوب می‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۸/۲۶) ضعف کشورها، وسوسه حمله را به وجود می‌آورد. کشورها می‌توانند با افزایش توان دفاعی، ساخت یا خرید تسلیحات، نمایش قدرت و اعمال بازدارندگی مؤثر ضریب تهدید را به کمترین میزان برسانند (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۶۲) و بدین‌گونه امنیت و اقتدار ملی خود را تأمین نمایند. در بخش داخلی نیروهای نظامی می‌توان به لزوم تشکیل و تجهیز نیروهای مسلح به دلیل مقابله با گروهک‌های سیاسی غیرقانونی، مرتکبان جرایم سازمان یافته و برهم‌زننده ثبات، نظم و آرامش شهروندان اهتمام ورزید. (همو، ۱۳۷) در کشور ایران که نظامی اسلامی دارد، نبود توان نظامی و نیروهای مسلح قوی سبب می‌شود تا نتواند اوامر و شعائر و ارزش‌های دینی را در جامعه حاکم کند و مجبور به دست برداشتن از آنها شود. (شکراللهی، ۱۳۸۱: ۵۶)

در بیانات معظم له نیروهای نظامی از دو طریق بر اقتدار کشور اثر می‌گذارند:

۱. تجهیزات، امکانات و آموزش نظامی: نیروهای نظامی و مسلح کشور می‌بایست روزبه‌روز بر

تجهیزات و امکانات خود بیافزایند. توانایی‌های خود را در تولید، تهیه، تکمیل و نگهداری از تجهیزات افزایش دهند و به استحکام، سازماندهی و ارتقای قدرت رزمی بپردازند. وقتی کشوری از تجهیزات نظامی برخوردار باشد، در مقابل دشمن قدرت بازدارندگی دارد زیرا ترس از شکست و آسیب، مانع حمله نظامی دشمن می‌شود. یکی از این تجهیزات که در امنیت کشور نقش‌آفرینی کرده، صنعت موشکی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۲/۲۰) محیط آموزشی نیز در رکن و مظهر اقتدار ملی بودن نیروهای مسلح نقش مهمی دارد؛ در چنین فضایی باید مهارت‌های موردنیاز و وظایف نیروها به خوبی به آنها آموزش داده شود. این عوامل به‌عنوان جسم چنین اقتداری مدنظر هستند (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۹/۰۸/۱۹) و سبب قدرت ظاهری آنان خواهند شد.

۲. نیروی نظامی با ایمان، فداکار و ... عوامل روحی افراد نظامی نیز در اقتدارآفرینی نیروهای

مسلح نقش اساسی دارد:

عنصر نظامی فداکار هم مایه اقتدار است؛ علاوه بر سازمان‌های نظامی، یک عنصر نظامی فداکار، یک صیاد شیرازی، یک شهید شوشتری و خود یک انسان فداکار هم که یک عنصر نظامی است و فداکار و صادق است، مورد غیظ و غضب است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۲/۲۰)

وجود ایمان در افرادی که مسئولیت نظامی و دفاعی کشور و ایجاد امنیت را برعهده دارند، اهمیت بسزایی دارد. ایمان و اهداف اسلامی به نیروهای مسلح، انگیزه و توان روحی موردنیاز برای مقابله را ارزانی می‌دارد؛ سبب ایجاد شجاعت در برابر دشمن می‌شود؛ وجود عوامل معنوی و روحی در نیروهای مسلح، روح قدرت آنان است و موجب می‌شود اقتدار ظاهری که با تجهیزات و ... برای نظام به‌وجود می‌آید، به اقتدار حقیقی تبدیل شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۰۷/۲۸)

قرآن کریم به قدرت نظامی جبهه حق و ضرورت آن اشاره می‌کند. خداوند به سپاه قدرتمند حضرت سلیمان علیه السلام اشاره می‌نماید (النمل / ۱۷) و آن را عامل پیروزی بر ملک سبأ بیان می‌فرماید. (النمل / ۳۷) آیات جهاد نیز غیرمستقیم بر لزوم قدرت نظامی اشاره دارند؛ زیرا این قدرت لازمه جهاد و پیروزی مجاهدان است. در قرآن کریم نیز به هر دو بعد تسلیحاتی و انسانی قدرت نظامی توجه شده است.

۳. نیروی تسلیحاتی: ۱. در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...»

(الانفال / ۶۰) منظور از واژه «قوه» هر چیزی است که جنگ و دفاع را ممکن می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۱۴) آیت‌الله خامنه‌ای «قوه» را به معنای توان و نیرو و «رباط» را به معنای ابزار بیان کردند و با استناد به آیه، سپاهیان را به تجهیز گسترده به ابزارهای موردنیاز زمان سفارش نمودند.

(بیانات مقام معظم رهبری، ۹۸/۰۷/۲۱) ۲. آیه «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَهُ وَاحِدَةً»، (النساء / ۱۰۲) پس از بیان ضرورت همراهی سلاح در نماز به هنگام جنگ، غفلت از تجهیزات را سبب حمله دشمن و آسیب مسلمانان و پیروزی دشمنان می‌داند. ۳. خداوند در سرگذشت حضرت داود علیه السلام، صنعت زره‌سازی را عاملی برای حفظ گروه حق از خطرات معرفی می‌نماید. (الانبیاء / ۸۰)

۴. نیروی انسانی: واژه «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال به دلیل عمومیت، بیان‌کننده ضرورت نیروی انسانی نیز هست. اهمیت نیروی انسانی در قدرت نظامی فقط به کمیت آن منحصر نمی‌شود. خداوند در آیه «وَوَجَّهْنَا لَكُمْ ظَهْرَكُمْ لِيُخْرِجَكُمْ مِثْلُ آبٍ حَارٍّ يُسْجِنُ فِيهِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذْ يَخْرُونَ» (التوبه: ۴۷) به کیفیت نیروی انسانی اشاره می‌نماید؛ یعنی اگر منافقان همراه شما برای جنگ می‌آمدند، جز شر و فساد برایتان سودی نداشت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۵۵) آیات ۱۷۴ - ۱۷۲ آل عمران نیز به روحیه ایمان و تقوای برخی از سپاهیان مجروح پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد، برای مقابله مجدد با دشمن می‌پردازد که به عقب‌گرد دشمنان و پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله منجر شد. نیروی منافق و ضعیف سبب ضعف و شکست می‌شود و نیرویی که از ایمان و تقوا بهره‌مند است با صبر و مقاومت، ثبات قدم، شجاعت و فداکاری، عاملی برای قدرت و پیروزی نظامی است.

ه) اقتصاد

اقتدار اقتصادی یکی از ارکان اقتدار ملی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۶/۳۰) قدرت پول ملی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده اقتدار اقتصادی است. پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان ثروت ایجاد کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۶/۳۰) تولید بیشتر، مصرف تولیدات خود و صادرات از عوامل ایجادکننده قدرت اقتصادی‌اند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۱۰/۱۲) توجه به اقتصاد جامعه به‌عنوان یک اصل اسلامی برای اقتدار جامعه اهمیت دارد.

اقتصاد، فرایندی است که سبب تولید کالاها و خدمات، مبادله و مصرف می‌شود؛ یعنی با فعالیت‌هایی مربوط به تولید، مبادله، مصرف کالا و خدمات سروکار دارد. (ملایری، حائر، ۱۳۸۰: ۳۴ - ۳۳) ارتقای رفاه مصرف‌کنندگان، ایجاد و گسترش قدرت ملی از اهداف اصلی هر اقتصاد ملی است. (گلپین، ۱۳۸۷: ۱۶۱ - ۱۶۰) داشتن آمادگی اقتصادی از عوامل قدرت ملی است. (جهان‌بزرگی، ۱۳۷۸: ۱۱۰) کلی‌ترین و مبهم‌ترین نکته، ارتباط اقتصاد جهانی با قدرت سیاسی است. سیاست به قدرت توجه دارد و اقتصاد به پول و تولید؛ اما قدرت، پول و سود به یکدیگر گره خورده‌اند. قدرت

نظامی و سیاسی هر ملتی در بین‌الملل تا حد زیادی به پویایی آن در اقتصاد مربوط است. (لارسون، اسکیدمور، ۱۳۷۶: ۱۱ - ۷)

کارشناسان اقتصاد سیاسی بین‌الملل معتقدند اقتصاد جهانی اثر زیادی بر قدرت، ارزش‌ها و خودمختاری سیاسی جوامع ملی دارد؛ همچنین دولت‌ها سعی دارند از قدرت سیاسی و موقعیتشان در نظام سیاسی بین‌الملل، هرچه بیشتر برای نفوذ بر تقسیمات بین‌الملل اقتصاد بهره بگیرند. (گلیبین، ۱۳۸۷: ۱۶۵ - ۹۵) کشورها علاوه بر توانمندی‌های دفاعی، باید بنیه اقتصادی خود را بالا ببرند؛ در غیر این صورت در جامعه امروز جایگاه خود را نمی‌یابند و به آسانی در برابر تهدیدها و تحریم‌ها تسلیم می‌شوند؛ (جعفرزاده فیرزآبادی، ۱۳۹۰: ۴۷) بنابراین می‌توان گفت در شرایط امروز جوامع، میان سیاست و اقتصاد رابطه تنگاتنگ و متقابل وجود دارد. نه تنها کشورها برای دستیابی به اقتصاد قوی و مطلوب به قدرت در سیاست نیازمندند، بلکه برای دستیابی به اقتدار داخلی و بین‌المللی نیز به اقتصاد قوی و مستقل نیاز هست.

استحکام ساخت درونی اقتصاد، درسی است که از تحریم‌ها حاصل می‌شود؛ بنابراین با وجود اینکه منابع نفتی، ثروت ملی و درون‌بنیاد کشور است اما به دلیل اینکه سیاست‌گذاری در قیمت آن دست کشور نیست، نباید پایه‌های اقتصاد را بر آن نهاد. «اقتصاد مقاومتی» نوعی جهاد اقتصادی و ایجادکننده اقتدار است؛ یکی از اهداف جهاد اقتصادی، دستیابی به استقلال اقتصادی است. جامعه‌ای که از استقلال اقتصادی برخوردار است، شاید به واردات برخی از کالاها نیاز داشته باشد اما در روابطی سالم برخی از محصولات خود را صادر می‌کند و محصولات آنان را وارد می‌نماید؛ یعنی بر آنان تکیه ندارد؛ بنابراین مجبور به باج دادن و سرفروود آوردن در برابر آنها نیست. استقلال اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که کشوری خود منافع اقتصادی‌اش را تشخیص دهد. (جعفرزاده فیرزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۱)

قرآن کریم برای اوضاع اقتصادی جامعه اسلامی اهمیت زیادی قائل است و تعالیم اسلام در جهت تشویق به تولید و قناعت در مصرف است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۷۷) طبق آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، (النساء / ۱۴۱) مسلمانان باید از قدرت اقتصادی برخوردار باشند تا ضعف اقتصادی سبب احتیاج، وابستگی و تسلط بیگانگان نشود. به عقیده آیت‌الله جوادی آملی، حکم این آیه به طور مطلق در دنیا وجود ندارد و با توجه به شواهد تاریخی و رخدادهای بیرونی، کفار به دلیل نیروی نظامی، علم و فناوری پیشرفته و ... برخی مواقع بر مؤمنان غالب می‌شوند؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۱۷۴) بنابراین مؤمنان باید خود را در عرصه‌های مختلف از جمله اقتصاد قوی کنند تا مغلوب کفار نگردند. با استناد به آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ»، (البقره / ۱۹۸)

تحصیل رزق مادی در حج، مباح بلکه راجح است. سرّ اطلاق فضل الهی به مسائل مادی، رفع توهّم حرمت تجارت در ایام حج و تشویق مسلمانان به فعالیت‌های تجاری است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۱۱۶ و ۱۴۳) زیرا در جاهلیت در ایام حج، معامله و تجارت را گناه می‌دانستند؛ آیه مذکور عقیده آنها را باطل می‌داند و انجام فعالیت‌های اقتصادی ورای حج و جمع شدن متفکرین برای ایجاد پایه محکم اقتصادی را جایز می‌داند. این مبادلات و مسائل اقتصادی سبب تقویت مسلمانان در برابر بیگانگان می‌شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲ / ۵۷ - ۵۶)

با توجه به آیات، اقتصاد قوی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتدار جامعه اثر می‌گذارد.

۱. خداوند با بیان خمس، زکات و انفاق به مسئله تأمین اجتماعی توجه فرمود؛ یعنی با وضع چنین احکامی، از فقر جلوگیری می‌شود و هزینه‌های جاری برای اداره جامعه و ایجاد رفاه تأمین می‌گردد. جامعه‌ای که به اوضاع اقتصادی افراد رسیدگی می‌کند، از رضایت ملتش بهره‌مند است و این رضایت سبب پشتیبانی و مشارکت سیاسی آنان می‌شود که از عوامل اقتدار ملی است.

۲. خداوند در آیه «تَمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالِهِمْ وَبَيْنَ» (الإسراء / ۶) وعده می‌دهد که بنی‌اسرائیل مجدد به قدرت خواهند رسید و به‌وسیله مال و نفرت بر دشمنانشان غالب و پیروز می‌شوند و از سلطه و استعمار طاغوتیان نجات می‌یابند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۴۰)

۳. همچنین در آیه «وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالِهِمْ وَبَيْنَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح / ۱۲) مال و نیروی اقتصادی، عامل دستیابی به اقتدار و غلبه معرفی می‌شود. «مدد» چیزی است که انسان را در رسیدن به هدفش کمک می‌کند. اموال و بنین از نیازهای ابتدایی برای دستیابی جامعه به اهداف خود است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۳۰)

۴. آیه «يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَي قُوَّتِكُمْ» (هود / ۵۲) از دیگر آیاتی است که به اقتدارآفرینی اقتصاد اشاره دارد. برخی از تفاسیر، «قُوَّة» را به‌معنای مال، فرزند و نیرو بیان کرده‌اند و عامل قدرت جامعه دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۲۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۳۰۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۸ / ۵۴۱)

تفسیر نور، قدرت اقتصادی را زمینه‌ساز سایر قدرت‌ها معرفی می‌کند؛ زیرا آیه اول می‌فرماید: «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» و سپس می‌فرماید: «وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَي قُوَّتِكُمْ». (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷۴/۴) بارانی که از آسمان می‌بارد موجب رونق کشاورزی و دامداری می‌شود و قدرت اقتصادی سبب ایجاد باقی قدرت‌ها می‌شود؛ بنابراین اقتصاد، عاملی برای اقتدار جامعه است.

(و) جمعیت و نسل جوان

به باور آیت‌الله خامنه‌ای، جمعیت و نسل جوان از عوامل اقتدارآفرین هستند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۳/۰۶/۱۳) معظم له درباره ضرورت افزایش جمعیت و نسل جوان می‌فرماید:

اینکه من اصرار می‌کنم که حتماً بایستی تکثیر نسل بشود، برای این است که فردای این کشور به همین جوان‌ها احتیاج دارد و جوان و نیروی انسانی چیزی نیست که انسان بتواند از خارج وارد کند؛ بایستی خود کشور آن را تأمین بکند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۷/۰۱/۰۱)

همچنین ایشان ایجاد اقتدار برای کشور را از وظایفی نسل جوان می‌دانند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۸/۱۲) برای اقتدارآفرینی، عامل جمعیت باید چند ویژگی داشته باشد: ساخت سنی جوان، باروری مناسب و پویا و نیروی انسانی ماهر و متخصص. (علی‌ئی، ۱۳۹۴: ۱۱۲) جمعیت زیاد کهن‌سال، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌کند. جمعیت باید توان باروری فعال داشته باشد تا در آینده، مشکل جمعیت کهن‌سال به‌وجود نیاید و جمعیت جوان نسل‌های آینده نیز تأمین شود.

ملت‌ها برای کسب موفقیت و دستیابی به اهداف و نیازهای خود نظیر اقتدار ملی، به نسلی جوان نیاز دارند. پیروی از سیاست شکست‌خورده غرب برای تحدید جمعیت، خطر پیری کشور و کاهش نسل جوان کارآمد را به‌دنبال دارد. تضعیف نیروی دفاعی، عقب‌ماندگی در پیشرفت، کاهش نخبگان، آسیب به کانون خانواده، کاهش تولید محصولات کشاورزی و تضعیف جایگاه کشور به‌عنوان کشوری با حاکمیت شیعه از چالش‌های تحدید جمعیت است. (امیری، ۱۳۹۵: ۱۰۳ - ۱۰۰) اگر جامعه از افراد فرتوت متشکل شود، دیگر توان انجام امور خود را نخواهد داشت؛ یا باید نیروی کار از خارج وارد نماید یا سرعت پیشرفتش در همه امور کاهش یابد یا متوقف شود. ورود نیروی کار متخصص از سایر کشورها، سبب عقب‌گرد کشور به نظامی مانند نظام پهلوی می‌شود که اداره و مدیریت کشور را به بیگانگان سپردند و هویت، عزت، استقلال و اقتدار ملی را از خود سلب کردند.

تولید و امتداد نسل از مسائل مهمی است که همه ادیان الهی به آن توجه نمودند: الف) حضرت لوط علیه السلام در آیه «أَتُكْمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ» (العنکبوت / ۲۹) قوم خویش را به دلیل قطع راه تکثیر نسل سرزنش می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۱۲۳) ب) آیه ۶ سوره اسراء به وعده الهی برای پیروزی مجدد قوم بنی‌اسرائیل بر دشمن، به‌وسیله مال و نفرات بیشتر، اختصاص دارد؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳ / ۴۰) بنابراین نیروی انسانی، عاملی برای قدرت و حکومت است. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵ / ۲۲) ج) آیه

«وَيُؤْمِدْكُمْ يَا مَوَالِدِ بْنِ» (نوح / ۱۲) نیز اموال و بنین را از احتیاجات ابتدایی برای دستیابی جامعه به اهداف خود بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۳۰) د) در ماجرای قارون، مؤمنان ثروت و دارایی او را از احسان خداوند می‌دانند ولی او بر استحقاق و علم خود تأکید می‌ورزد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۷۷) با وجود اینکه آیه در پی نکوهش این شخص است اما دقت در عبارت «أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا» (القصص / ۷۸) اهمیت نقش جمعیت در ایجاد قدرت و نیرو را نشان می‌دهد.

ز) انقلاب و انقلابی‌گری

مقام معظم رهبری، انقلاب، روحیه انقلابی و عمل انقلابی را از عوامل اقتدارآفرین برای کشور می‌داند. معظم‌له انقلاب را به معنای تغییر بنیادین همه نهادهای اصلی زندگی جامعه می‌داند؛ تغییر بنیادین آنچه غلط است به آنچه که صحیح، مستقیم و به‌جا است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۱/۱۱/۱۵) در بیانات ایشان تغییرات حاصل از انتقال قدرت از نظام پهلوی به جمهوری اسلامی چنین تبیین می‌شود: با آمدن انقلاب اسلامی روحیه تسلیم‌پذیری با اقتدار جایگزین شد. در گذشته، کشور در امور خود تسلیم بیگانگان بود؛ مدتی انگلیس و مدتی هم آمریکا؛ اما با آمدن انقلاب، تسلیم به ایستادگی، اقتدار و مقاومت تبدیل شد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۶/۱۱/۱۹) با نگاهی اجمالی به بیانات معظم له دیگر آثار انقلاب بدین شرح است: هویت اسلامی - ایرانی، (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۰/۰۷/۲۵) توسعه در انس و بهره‌گیری از قرآن، (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۷/۰۲/۲۷) عزت و عظمت ملت در دنیا، (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۱۰/۲۹) اعتمادبه‌نفسی ملی (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۶/۱۰/۱۲) پیشرفت علمی (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۸/۰۷/۱۷) و ... هر یک از این موارد عاملی برای ایجاد اقتدار ملی هستند.

از سویی، به باور ایشان دستیابی به اقتدار ملی ثواب وفاداری به انقلاب است؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۱۱/۲۸) بنابراین برای تداوم آثار انقلاب بر اقتدار ملی، نیاز است همچنان در جامعه، مخصوصاً نسل جوان، روحیه و عمل انقلابی وجود داشته باشد و افراد به وظایف انقلابی خود عمل نمایند. از منظر ایشان، انقلابی‌گری پنج شاخص اصلی دارد که عبارتند از: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت برای دستیابی به آنها، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، حساسیت در برابر دشمن و تقوای دینی و سیاسی. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۵/۰۳/۱۴)

برای تبیین نقش انقلاب در ایجاد اقتدار ملی می‌بایست به بررسی اوضاع کشور در دوران پهلوی، بعد از انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی پرداخت و این دو دوره را با هم مقایسه کرد. با مطالعه در اوضاع ایران قبل از انقلاب، بخش‌های اداری، فرهنگی، اقتصادی، نظامی که از ارکان و عوامل اقتدار کشور محسوب می‌شوند، در دست بیگانگان بودند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۴ - ۲۹) سیاست اجرایی کشور به‌گونه‌ای طراحی شده بود تا کشور استقلال نداشته باشد و به آنان وابسته باشد تا نتواند قدرت انجام عمل آزاد و مطابق منافع خود را به‌دست آورد. با مطالعه در آثاری که درباره انقلاب اسلامی نگاشته شده است، می‌توان به آثار داخلی و خارجی که پس از انقلاب نصیب ایران گشت، پی برد که از جمله آنها، دستیابی به استقلال و پیشرفت است (همو، ۱۷۸ - ۱۷۵)

برای استخراج مبانی قرآنی این محور، باید در ابتدا مصادیق انقلابی‌گری در بیانات معظم‌له به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و سپس آیات مرتبط با آن مصادیق استخراج گردد. بیان دقیق و تفصیلی این مصادیق در این پژوهش امکان‌پذیر نیست اما به‌طور اجمالی شامل مقابله در برابر دشمن، (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۸/۰۷/۱۰) عمل مجاهدانه، (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۲/۱۰) مطابقت عمل با دین و قرآن، (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۰۶/۰۲) دیانت و پارسایی جوانان (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۰۲/۱۶) و به‌طور کلی انجام وظایف صحیح و هماهنگ با آرمان‌های انقلاب است.

در آیات الهی نقش عمل به دین، ایمان و تقوا در ایجاد اقتدار به‌وضوح قابل مشاهده است. آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹) از نمونه آیاتی است که به این مسئله اشاره می‌نماید. آیات الهی، ایمان، تقوا و ... را عاملی برای دریافت امداد الهی که موجب قدرت است، بیان می‌کنند. (الجاثیه / ۱۹) آیات ۲۵۱ - ۲۴۶ سوره بقره نیز از نمونه آیاتی است که به تأثیر جهاد در پیروزی و قدرت اشاره می‌نماید. از آنجایی که این مصادیق ذیل عوامل معنوی محسوب می‌شوند، از بیان تفصیلی آنان اجتناب می‌شود. آیات مرتبط با نقش عمل به وظایف نیز در محورهای مرتبط بیان گردید و در این محور برای پرهیز از تکرار مطالب از بیان آنها اجتناب می‌شود.

ح) انتخابات

از دیگر عوامل اقتدارآفرین از منظر معظم‌له، انتخابات است (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۶/۰۱/۰۱) که شرکت آزادانه، فضای رقابتی میان مسئولان، امنیت فضای انتخاباتی و سلامت و امانت‌داری از ویژگی‌های آن در ایران است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۴/۱۲/۲)

انتخابات رویه‌ای است که کم‌وبیش در بیشتر کشورها انجام می‌گیرد و به‌وسیله آن اعضای یک گروه، رهبران خود را تعیین می‌کنند و برای اداره کارهای مشترکشان، دست‌جمعی اقدام می‌کنند.

(بودن، بوریکو، ۱۳۸۵: ۷۲) در تعریفی دیگر، انتخابات ترتیبی است که کشوری به موجب قوانین نظام‌مندی انتخاباتی خاص، برای انتخاب ارگان‌های انتخابی کشور و تعیین نتایج رأی‌گیری مقرر گردیده است. (علی‌بابایی، ۱۳۸۳: ۳۱) رأی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده حکومت است. اگر حکومتی با انتخابات منظم ایجاد نشود و پیش نرود، مشروعیت آن زیر سؤال می‌رود؛ همچنین قاعده اکثریت در انتخابات، یکی از روش‌های تجمیع ترجیحات است. (بودن و بوریکو، ۱۳۸۵: ۱۹۶ - ۷۶)

برگزاری انتخابات در کشور از جنبه‌های مختلفی می‌تواند بر اقتدار اثر بگذارد؛ از جمله: ۱. نمایش مشروعیت نظام؛ نظامی که مدیران و مسئولان آن به‌وسیله رأی افراد ملت انتخاب شوند، نشان تأیید و مشروعیت آن است. ۲. پشتوانه مردمی؛ حضور مردم در صحنه انتخابات، عاملی برای اقتدار کشور است. نظامی که از پشتوانه حضور مردمی برخوردار باشد به اقتدار دست می‌یابد؛ شرکت در انتخابات در ایران آزادانه است و عدم شرکت در آن مجازاتی در پی ندارد؛ بنابراین حضور در انتخابات از مظاهر پشتوانه مردمی است. ۳. رضایت و عواطف مردم؛ وقتی ملت به‌وسیله رأی در انتخاب مدیران و امور کشور نقش‌آفرینی می‌کند و کشور به شیوه دیکتاتوری اداره نمی‌شود، موجب رضایت و حسن‌ظنشان نسبت به نظام می‌شود.

در بیان مبانی قرآنی انتخابات می‌توان به کلام معظم‌له استناد نمود. ایشان مردم‌سالاری را که انتخابات یکی از مصادیق آن و مایه قدرت است، برخاسته از متن دین می‌دانند و با استناد به آیات می‌فرمایند:

در مکتب سیاسی امام رأی مردم به‌معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین‌کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است. از طرف دیگر امام با اتکای به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده پولادین مردم می‌شود در مقابل همه قدرت‌های متجاوز جهانی ایستاد و ایستاد. در مکتب سیاسی امام، مردم سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (الشوری / ۳۸) برخاسته است؛ از «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ» (الانفال / ۶۲) برخاسته است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۸۳)

نتیجه

اقتدار ملی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به یک واحد سیاسی تعلق می‌گیرد و در دو سطح حقیقی و ظاهری قابل‌تقسیم است. اقتداری که جمهوری اسلامی ایران در پی آن است، اقتدار حقیقی است که همه‌جانبه بودن، میرا از ظلم و درون‌زایی از ویژگی‌های آن است. اقتدار در قرآن با ریشه‌های «قدر»، «قوت»، «علو» و «سلط» به‌کار رفته است و خاستگاه آن

خداوند است. قدرت‌ها به دو دسته ممدوح و مذموم تقسیم می‌شوند و معیار آنها حق‌گرایی است. اقتدار پیامبران و مؤمنان با اتصال و ایمان به خداوند، اقتدار ممدوح و قدرت اهل کفر و شرک، تجاوزگری و استبداد، اقتدار مذموم است.

با بررسی بیانات رهبر معظم انقلاب، عوامل اقتدار ملی به دو بخش معنوی و مادی تقسیم می‌شوند. اقتدار حقیقی، بر عوامل معنوی تکیه دارد اما نمی‌توان عوامل مادی را نادیده گرفت. در اوضاع بین‌الملل که قدرت‌های مستکبر برای دستیابی به سلطه، عوامل مادی اقتدار را در خود تقویت می‌نمایند، برای ایجاد، حفظ و افزایش اقتدار در برابرشان کسب عوامل مادی ضروری است.

با بررسی بیانات معظم‌له ۲۱۲ کد در بخش عوامل مادی اقتدار ملی یافت شد که به ترتیب فزونی مضامین، متعلق به مسئولان، علم و فناوری، مردم، نیروهای مسلح، اقتصاد، جمعیت و نسل جوان، انقلاب و انقلابی‌گری و انتخابات است که مبانی قرآنی همه محورها استخراج گشت.

با توجه به همه‌جانبه بودن اقتدار ملی و دیگر بیانات معظم‌له، تأکید ایشان بر به هم پیوستگی عوامل است و برای کسب اقتدار به همه موارد نیاز است. با توجه به اینکه مسئولان، علم و فناوری و ملت بیشترین بسامد را دارند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقش مسئولان به دلیل تصمیم‌سازی و شروع تغییرات در کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ از سویی معظم‌له توصیه ملت به پشتیبانی، حضور و همراهی با مسئولان، به اهمیت نقش ملت و مردم سالاری دینی اشاره دارند. علم نیز با توجه به تأکید زیاد رهبری بر آن و پایه دیگر عوامل اقتدار بودن، از اهمیت زیادی برخوردار است.

منابع و مأخذ

۲. قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی.
۳. ابن‌عاشور، محمدبن طاهر، ۱۴۲۰، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. امیری، ابوالفضل، ۱۳۹۵، «نفوذ و تحدید جمعیتی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات عملیات روانی*، ش ۴۴.
۵. ایزدهی، سجاد، ۱۳۹۶، *مشارکت سیاسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. بهاء‌الدین عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله ابن عقیل، *شرح ابن ابی الحدید*، ج ۲۰، سید حمید طیبیان، ۱۳۸۸، تهران، امیر کبیر.
۷. بودون، ریمون و بوریکو، فرانسو، ۱۳۸۵، *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر.

۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای:

www.Khamenei.ir

۹. توکل، محمد، ۱۳۷۰، *جامعه‌شناسی علم*، تهران، نص.
۱۰. جعفرزاده فیروزآبادی، محمد کاظم، ۱۳۹۰، *اهداف و چشم‌انداز جهاد اقتصادی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۱. جهان بزرگی، احمد، ۱۳۷۸، *اصول سیاست و حکومت*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تسنیم*، قم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *روابط بین‌الملل در اسلام*، قم، اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تسنیم*، قم، اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، *تسنیم*، قم، اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۶، *تسنیم*، قم، اسراء.
۱۷. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۹۰، *درباره علم*، تهران، هرمس.
۱۸. شکراللهی، مرتضی، ۱۳۸۱، *آسیب‌شناسی حکومت دینی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۹. صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۸۹، *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۲۲. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، محمد، شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، ش ۲.
۲۳. علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۳، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران، وزارت امور خارجه.
۲۴. علیی، محمدولی، ۱۳۹۴، «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران»، *آفاق امنیت*، سال ۸، ش ۲۸.
۲۵. فیاض، ابراهیم، ۱۳۸۹، *مردم‌شناسی تاریخی - شناختی علم در ایران*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۶. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۷. کریمی، علی و بابایی، اکبر، ۱۳۹۰، *امنیت ملی از منظر امام خمینی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. کمالی، یحیی، ۱۳۹۷، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، *سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۴، ش ۲.
۲۹. گلوور، دیوید، استرابریج، شیلاف، توکل، محمد، ۱۳۸۳، *جامعه‌شناسی معرفت و علم*، تهران، سمت.
۳۰. گلپین، رابرت، ۱۳۸۷، *اقتصاد سیاسی جهانی*، ترجمه محمود یزدان فام، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تهران.
۳۱. لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید، ۱۳۷۶، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران، نشر قومس.
۳۲. لاریجانی، علی و غلامی ابرستان، غلامرضا، ۱۳۹۰، «روابط اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۴، ش ۱۶.
۳۳. محسنی، منوچهر، ۱۳۸۸، *مبانی جامعه‌شناسی علم: جامعه، علم و تکنولوژی*، تهران، طهوری.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. ملایری، محمدحسین و حائر، رضا، ۱۳۸۰، *فرهنگ حکومت*، تهران، نشر پنگان.
۳۶. واعظی، حسن، ۱۳۸۶، *تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، شهاب‌الدین.